

بررسی یک سند تاریخی کاروانسرای چهار درب



محدثه میر حسینی

مقدمه

اسناد تاریخی از وجوه متفاوتی قابل مطالعه و بررسی هستند و بسته به نوع سند (حقوقی، دیوانی، منشیات، خانوادگی و ...) علاوه بر دیدگاه سندشناسی، در حوزه‌های مختلف علمی و پژوهشی توسط تاریخ پژوهان و پژوهشگران حوزه‌های تاریخ علوم و فنون، مورد توجه قرار می‌گیرند. یکی از موضوعاتی که بررسی پیشینه‌ی آن وابستگی غیرقابل انکاری به اسناد تاریخی دارد، تاریخ معماری است. هرچند در پژوهش‌های معماری بهترین اسناد، خود بناها و آثار تاریخی هستند، اما اسناد و اوراق تاریخی علاوه بر این که اطلاعات ارزشمندی از بناهای از بین رفته می‌دهند، می‌توانند جزئیاتی در باب علل و چگونگی ساخت یک بنا، زندگی در آن و سرگذشت تاریخی آن ارائه دهند. از همین روی است که گفته‌اند: «در مطالعه و پژوهش حوزه معماری، منابع مطالعه‌ی تاریخ معماری ایران منحصر به آثار تاریخی شامل بناها و شهرها و تپه‌های باستانی نیست. بسیاری از اسنادی که بر شئون گوناگون زندگی ایرانیان دلالت می‌کند نیز در زمره اسناد معماری قرار می‌گیرد».^۱

۱- برگرفته از مقدمه سید محمد بهشتی در اسناد معماری ایران، دفتر اول، دانشنامه تاریخ معماری و شهرسازی ایران زمین، تصحیح عمادالدین شیخ الحکمایی، موسسه نالیف، ترجمه و نشر آثار هنری من، تهران، پاییز ۱۳۸۸.

در این مقاله با بررسی یک سند از اسناد شرعی، اطلاعاتی را درباره‌ی بخش‌هایی از بازار قدیم استرآباد که در سایر منابع مکتوب کمتر به آن پرداخته شده، ارائه داده ایم. هرچند یک برگ سند، به تنهایی پاسخگوی پرسش‌های مرتبط با ساختار معماری و تاریخی بازار کهنه استرآباد نیست و مسلماً پژوهش در این حوزه مستلزم بهره‌گیری از اسناد متعدد، منابع شفاهی، پژوهش‌های میدانی و ... است، اما با معرفی این یک برگ سند تاریخی، بدون کمک از سایر منابع و بدون در نظر گرفتن دانسته‌های قبلی و پیش فرض‌ها، خواسته‌ایم نحوه‌ی برخورد با اطلاعات یک سند تاریخی و آن‌چه از کنار هم گذاشتن عناصر اطلاعاتی آن، به دست می‌آید را نشان دهیم.

شناسنامه سند

نوع سند: مصالحه نامه

سند اساس: اصل

محل نگهداری اصل سند: مرکز اسناد موسسه فرهنگی میرداماد

منشاء سند: اسناد خانواده‌ی محمدطاهری (شاخه‌ای از خانواده‌ی کلانتری) از ساکنین قدیمی محله‌ی دربنو استرآباد (گروگان)

قطع سند: $۸/۵ \times ۱۴/۵^{\text{cm}}$

تاریخ سند: ۱۳۴۶ هجری قمری

زبان و نوع خط: فارسی، شکسته نستعلیق تحریری

مصالح: صاحبان بازار جدید [حاجی محمدحسین و حاجی محمدرحیم باقری]

متصالح (مصالح له): آقا سیدنصراله شیرنگی، آقا عبدالکریم ابن مرحوم حاج محمدطاهر کلانتری و ورثه مرحوم حاج محمدمهدی کبیر

مورد صلح (مصالح عنه): یک باب دکان در انتهای بازار جدیدالبنا معروف به کاروانسرای چهاردرب

مال المصالحه (مصالح به): یک باب دکان نوساز آجری طاقی در راسته بازار جدیدالبنا (دکان تحتانی)

سند مورد بررسی؛ مصالحه نامه‌ای است که طبق مندرجات آن؛ گروهی از مالکین و ساکنین بازار جدید استرآباد، صلح کرده‌اند در باب معاوضه‌ی یک درب دکان قدیمی ساز فرسوده، واقع در انتهای راسته بازار جدیدالبنا معروف به کاروانسرای چهاردرب با یک درب دکان نوساز آجری طاقی در همان راسته بازار. این سند شامل اطلاعات ارزشمندی در باب ساختار بخشی از بازار بزرگ استرآباد، سیر تحول کالبدی آن، تغییر کاربری و حتی تغییر ماهیت بخشی از آن، نحوه‌ی مدیریت بازار، تولید و ساماندهی بخشی از بازار، واژه‌ها و مفاهیم مرسوم در معرفی اجزاء و ساختار معماری بازار در یک دوره‌ی تاریخی در محدوده‌ی مکانی شهر استرآباد، است.

متن سند

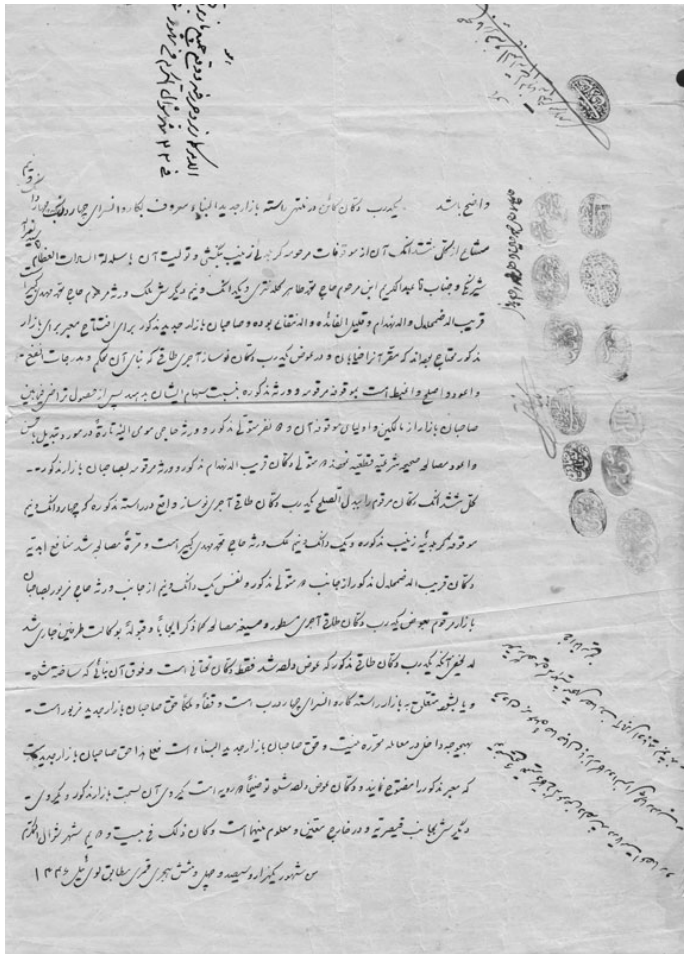
«واضح باشد یک درب دکان کائن در منتهی راسته بازار جدید البنا معروف به کاروانسرای چهاردرب که چهار دانگ و نیم/۱/ مشاع از کل شش دانگ آن از موقوفات مرحومه کربلایی زینب بنگشی و تولیت آن با سلاله السادات العظام آقا سید نصراله /۲/ شیرنگی و جناب آقا عبدالکریم ابن مرحوم حاج محمد طاهر کلانتری و یک دانگ و نیم دیگرش ملک ورثه مرحوم حاج محمد مهدی کبیر است/۳/ قریب الاضمحلال و الانهدام و قلیل الفائده و الانتفاع بوده و صاحبان بازار جدید مذکور برای افتتاح معبر برای بازار/۴/ مذکور محتاج بوده اند که مقر آن را خیابان و در عوض یک درب دکان نوساز آجری طاقی که بنای آن محکم و به درجات انفع/۵/ و اعود و اصلح و اغبط است به موقوفه مرقومه و ورثه مذکوره به نسبت سهام ایشان بدهند پس از حصول تراضی فیما بین/۶/ صاحبان بازار از مالکین و اولیای موقوفه آن و دو نفر متولی مذکور و ورثه حاجی مومی الیه تاره در مورد تبدیل به احسن/۷/ و اعود مصالحه صحیحه شرعیه قطعیه نمودند دو متولی دکان قریب الانهدام مذکور و ورثه مرقومه به صاحبان بازار مذکوره/۸/ کل شش دانگ دکان مرقوم را به بدل الصلح یک درب دکان طاقی آجری نوساز واقع در راسته مذکوره که چهار دانگ و نیم/۹/ موقوفه کربلاییه زینب مذکوره و یک دانگ و نیم ملک ورثه حاج محمد مهدی کبیر است و مرهٔ مصالحه شد منافع ابدیه/۱۰/ دکان قریب الاضمحلال مذکور از جانب دو متولی مذکور و نفس یک دانگ و نیم از جانب ورثه حاج مزبور به صاحبان/۱۱/ بازار مرقوم به عوض یک درب دکان طاقی آجری مسطور و صیغه مصالحه کما ذکر ایجابا و قبوله به وکالت طرفین جاری شد/۱۲/ لا یخفی آنکه یک درب دکان طاقی مذکور که عوض داده شد فقط دکان تحتانی است و فوق آن بنایی که ساخته شده -/۱۳/ و یا بشود متعلق به بازار راسته کاروانسرای چهاردرب است وقفا و ملکا حق صاحبان بازار جدید مزبور است -/۱۴/ به هیچ وجه داخل در معامله محرره نیست و حق صاحبان بازار جدید البنا است فعلی هذا حق صاحبان بازار جدید است/۱۵/ که معبر مذکور را مفتوح نمایند و دکان عوض داده شده توضیحا دورویه است یک روی آن به سمت بازار مذکور و یكروی -/۱۶/ دیگرش به جانب قیصریه و در خارج معین و معلوم بینهما است و کان ذلک فی بیست و دویم شهر شوال المکرم/۱۷/ من شهر یکهزار و سیصد و چهل و شش هجری قمری مطابق لوی نیل ۱۳۴۶ [در هامش:]

توضیح تعمیر دکانی که عوض داده شد در تمامت اعصار و /۱/ قرون بر عهده صاحبان بازار کاروانسرای چهاردرب/۲/ - مقرر گردیده که همیشه متحمل مصارف آبادی او باید بشوند -/۳/ فی التاریخ [۱۳۴۶] /۴/ [استشادات:]

- ۱- هو الامر کما زبر و حرر فیه و وقع جمیع ما زبر و رقم فیه لدی الاحقر فی ۲۲ شهر شوال المکرم من شهر ۱۳۴۶ [مهر بیضی: «عبدہ الراجی ابوتراب العقیلی ۱۳۲۶»]
- ۲- هو صح ما زبر فیه من البدایه الی النهایه الاقل میرشهیدی [مهر بیضی: «صادق الحسینی

[۱۳۴۲]

۳- صحیح x حاجی محمد حسین و حاجی محمد رحیم باقری [مهر بیضی]: «محمد حسین ابن محمد باقر»-[مهر بیضی]: «محمد رحیم ابن محمد باقر»-[مهر بیضی: «ارجعلی، رجبعلی»]-[مهر بیضی: «... (ناخوان) علی»]-[مهر بیضی: «الراجی زین العابدین»]-[مهر بیضی: «حاجی بی بی»]-[امضاء: «بابا کلانتری»]، [مهر بیضی: «دارد امید شفاعت از محمد، بابا»]-[مهر بیضی: «عبد علی اکبر»]-[مهر بیضی: «علی اکبر»]-[مهر بیضی: «محمد تقی ابن صادق»]-[مهر بیضی:



تصویر سند مصالحه نامچه مورخ ۱۳۴۶- اهدایی حسن محمد طاهری

«محمد رضا ابن احمد»]-[مهر بیضی: «عبد الراجی عباسعلی»]

بررسی محتوای سند

در این بخش بیش از آن که بخواهیم به بازنمایی اطلاعات تاریخی مندرج در متن سند

بپردازیم، قصد داریم تا حد امکان تجزیه و تحلیل درستی از عناصر و عبارات مندرج در متن سند ارائه دهیم. بنابراین ابتدا آن چه که در تحلیل محتوای یک سند باید به آن توجه کرد را بازگو کرده و سپس به بررسی واژه‌ها و عبارات مندرج در آن خواهیم پرداخت.

تاریخ سند؛ این سند در تاریخ ۱۳۴۲ق هم زمان با انعقاد مصالحه‌نامه تحریر شده است. این تاریخ دو نکته را به ما یادآوری می‌کند. نخست این که اطلاعاتی که ارائه می‌شود مربوط به این دوره‌ی تاریخی است و در تکمیل اطلاعات این سند و این بخش از بازار، ابتدا باید در منابع مربوط به این تاریخ جستجو کرد، چراکه ممکن است این بازار در دوره‌های مختلف دچار تغییراتی شده باشد و اگر به تاریخ داده‌ها توجه نشود، ممکن است پژوهشگر دچار سردرگمی و یا اشتباه در تحلیل شود. نکته‌ی دوم این است که تاریخ این سند و این مصالحه کمی کمتر از یک صد سال است، بنابراین می‌توان در بین منابع شفاهی نیز ردپایی از داده‌های این سند را جستجو کرد.

اسامی اشخاص؛ در این سند اسامی ذیل ذکر شده است: مرحومه کربلائی زینب بنگشی، آقاسیدنصرالله شیرنگی، آقاعبدالکریم ابن مرحوم حاج محمدطاهر کلانتری، مرحوم حاج محمدمهدی کبیر، ابوتراب العقیلی، حاجی محمدحسین و حاجی محمدرحیم باقری. چنان که از عناوین به کار رفته در پس و پیش نام افراد برمی‌آید، از میان این افراد، زینب بنگشی، محمدطاهر کلانتری و محمدمهدی کبیر در زمان نگارش سند در قید حیات نبوده و مابقی هم مسلماً کمتر از سن بلوغ نداشته‌اند. اما نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که در سراسر متن سند، هیچ‌کجا به نام مالکین بازار جدیدالبننا اشاره نشده و تنها با عبارت «صاحبان بازار جدید» از آن‌ها یاد شده است. باید توجه داشت که در بین اسامی و امهار موجود در حاشیه‌ی متن می‌توان به نام مالکین بازار جدید نیز پی بُرد.

نکته‌ی حایز اهمیت در این سند که مسلماً معلول زمان نگارش سند است؛ مشخص بودن عنوان خانوادگی افراد است. نام‌های خانوادگی شیرنگی، کلانتری، کبیر، عقیلی و باقری همگی مربوط به ساکنین قدیمی شهر استرآباد است. عنوان بنگشی هم متعلق به گروهی از مهاجرین قدیمی استرآباد است که البته امروزه کسی با این عنوان در شهر گرگان زندگی نمی‌کند. با توجه به عناوین خانوادگی فوق می‌توانیم، اسناد مکمل اطلاعات سند حاضر را نزد بازماندگان افراد مذکور جستجو کنیم.

محدوده‌ی مکانی و اجتماعی؛ هرچند در این سند صراحتاً به عنوان بازار استرآباد اشاره شده، لکن از آن‌جا که در شهر استرآباد بازارهای متعدد و پراکنده‌ای وجود داشته است، مکان آن از درون متن این سند قابل استخراج نیست. از آن‌جا که محدوده‌ی مکانی موضوع سند در زمان عقد مصالحه شناخته شده و متعارف بوده است، از ذکر تحدید (ذکر حدود اربعه) و توصیف آن خودداری شده است. اما محدوده‌ی اجتماعی سند، همان تجارت و بازار است. که با تعیین این محدوده می‌توان، اطلاعات شفاهی مرتبط را از طریق گفتگو با

تجار و بازاریان قدیمی استرآباد، استخراج نمود.

نوع ملکیت؛ طبق مندرجات سند، یک دانگ و نیم دکان قدیمی، ملکی بوده و چهاردانگ و نیم آن وقف است. و دکان نوساز طاقی آجری مذکور در سند هم، ملکی صاحبان بازار جدیدالبناء است که پس از معاوضه، این دکان نوساز طاقی آجری هم، به شرایط دکان قدیمی درآمده و یک دانگ و نیم آن ملکی و چهاردانگ و نیم آن وقفی خواهد شد. بنابر اطلاعات فوق می توان اسناد مکمل اطلاعات این سند را در بین اسناد بایگانی اداره ی اوقاف و همچنین در نزد بازماندگان متولیان (سیدنصرالله شیرنگی و عبدالکریم ابن محمداطهر کلاتتری) و مالکین (ورثه ی حاج محمدمهدی کبیر)، جستجو کرد.

معاوضه؛ طبق آن چه که در متن سند آمده؛ مالکین بازار جدیدالبناء حاضر شده اند برای افتتاح معبر بازار مذکور «یک درب دکان نوساز آجری طاقی که بنای آن محکم و به درجات انفع و اعود و اصلح و اغبط است» را با «یک درب دکان قریب الاضمحلال والانهدام و قلیل الفائده والانتفاع» معاوضه کنند. این موضوع نشان دهنده ی اهمیت این معبر برای بازار مذکور است. اما این که چرا به جای آن که آن دکان مخروبه را به قیمتی بالاتر خریداری کنند، یک درب دکان با کیفیت مذکور در عوض آن داده اند، بر می گردد به مسئله ی موقوفه بودن دکان قدیمی ساز مخروبه و موانع شرعی بیع موقوفات، چنان که عبارت «تبدیل به احسن» در جمله ی؛ «پس از حصول تراضی فیما بین صاحبان بازار از مالکین و اولیای موقوفه آن و دو نفر متولی مذکور و ورثه حاجی مومی الیه تاره در مورد تبدیل به احسن و اعود مصالحه صحیحه شرعیه قطعیه نمودند»، نشان دهنده تنها مسیر شرعی برای تملک ملک موقوفه و سپس تبدیل آن به معبر است.

عبارات و اصطلاحات مربوط به مکان و فضای کالبدی موضوع سند؛ توجه به عبارات و اصطلاحاتی چون: راسته بازار- جدیدالبناء- کاروانسرای چهاردرب- دکان قریب الاضمحلال- دکان نوساز آجری طاقی- انتهای راسته بازار- افتتاح معبر- خیابان- دکان تحتانی- بنایی ساخته شده یا بشود- بازار راسته کاروانسرای چهاردرب- دو رویه- قیصریه- تعمیر دکان، و پی بردن به جایگاه و کاربرد آن ها، بسیار حایز اهمیت است.

اکنون پس از این که عناصر تأثیرگذار در تحلیل متن سند را بررسی کردیم، به بررسی عبارات و اصطلاحات مذکور می پردازیم. اما قبل از تعریف و توضیح اصطلاحات مذکور، لازم به ذکر است؛ علاوه بر وجود اصطلاحات و واژه های منحصر به فرهنگ بومی یک قوم یا یک سرزمین، در فرهنگ کلامی مردم هر سرزمین و هر قوم، بسیاری از اصطلاحات شناخته شده ی عمومی و وابسته به زبان معیار وجود دارد که در بین ساکنین آن قوم یا سرزمین در معانی متفاوتی به کار می روند، که می توان گفت این واژه ها و اصطلاحات با کاربرد و معانی متفاوتی که دارند، جزو اصطلاحات و واژه های بومی رایج در آن سرزمین هستند. بنابراین واژه ها و عباراتی که در زیر می آید، بر مبنای معانی رایج در زبان معیار تعریف شده اند و

ممکن است هر کدام در بین مردم استرآباد، در مفهومی خاص به کار گرفته شده باشند. **راسته بازار:** برای اصطلاح راسته، به عنوان جزئی از ساختار بازارهای ایرانی، معانی متعددی آورده اند که برخی از آن‌ها عبارتند از: ۱- بازار راست و بدون اعوجاج^۲ ۲- چهارسو و بازار^۳ ۳- ردیف و صف دکان‌های بازار^۴ ۴- مسیرهای اصلی یا هر یک از دالان‌های بزرگ و بدون پیچ و خم اصلی بازار^۵ که ممکن است به عنوان معبری دو قسمت از شهر را نیز به یکدیگر متصل کند.^۶ ۵- صف دکان‌های بازار که عبارت از دو طرف بازار است.^۷ ۳- صف بازار که عبارت از واحدالطرفین بازار است و در آن دکاکین می‌باشد.^۸

اغلب لغت‌نامه‌ها راسته را به دو معنی؛ ۱- راست، صاف، مستقیم و بدون پیچ و خم ۲- رسته، صف، قطار و درکنارهم نشسته، آورده‌اند. چنان‌که اگر معنی اول در نظر باشد، مسلماً اشاره به دالانه‌ای صاف و مستقیم، مرکب از مجموعه‌ای از دکان‌های متصل به یکدیگر است و اگر معنی دوم در نظر باشد؛ اشاره به دالانه‌ای که صرف نظر از صاف یا ناصاف بودن آن، شامل مجموعه‌ای از دکان‌های متصل به یکدیگر است، دارد. شاید به دلیل نزدیک بودن این دو مفهوم است که این اصطلاح را گاهی به صورت «راسته بازار» و گاهی به صورت «رسته بازار» تلفظ می‌کنند. بنا به تعریف استاد پیرنیا، راسته‌ها؛ مسیرهای اصلی بازارها هستند که یا موازی هم و یا متقاطع بوده‌اند.^۹ همچنین برخی راسته را همان گذرگاه‌های اصلی و فرعی بازار دانسته و در تعریف آن گفته‌اند: راسته مسیری نسبتاً طولانی است که در دو طرف آن دکان‌ها و فروشگاه‌های به هم پیوسته در یک ردیف، رو به سوی گذرگاه‌ها، قرار دارند.^{۱۰} اما صرف نظر از مفاهیم کالبدی، در بیان مفهوم کاربردی راسته می‌توان گفت: راسته بخشی از بازار است که به فروش یک جنس اختصاص داشته است.^{۱۱}

به هر روی، با عنایت به تمام معانی و مفاهیم مذکور که در مورد واژه‌ی راسته ذکر شد می‌توان گفت: اصطلاح راسته بازار که در متن سند آمده، نشان دهنده‌ی این است که به احتمال زیاد، راسته بازار جدیدالبناء استرآباد، پلان خطی داشته و صرف نظر از صاف بودن یا نبودن مسیر آن، متشکل از مجموعه‌ی دکان‌های به هم پیوسته در دو ردیف روبه روی هم، با یک معبر در وسط آن‌ها، بوده است.

چنان‌که در تعریفی عام از راسته بازار و نقش آن نوشته‌اند: بازارهای اصلی ایرانی غالباً به شکل خطی و در امتداد مهم‌ترین راه و معبر شهری شکل می‌گرفته‌اند، به همین سبب مهم‌ترین بخش و عنصر اصلی یک بازار، راسته اصلی آن است. یک راسته بازار در ساده‌ترین شکل، با دکان‌های واقع در دو سوی آن شکل می‌گرفت.^{۱۲}

کاروانسرا: کاروانسراها را می‌توان مهم‌ترین فضای معماری طراحی شده در بازارها و تقریباً همانند پاساژهای امروزی دانست. از ابتدای قرن حاضر که به تدریج نقش کاروان‌ها در حمل و نقل ضعیف شد، پیشوند کاروان از واژه‌ی کاروانسرا حذف شده و به کاروانسرای شهری؛ «سرا» گفته شد.^{۱۳} واژه‌ی «سرا» مترادف است با؛ تجارتخانه، تیمچه و کاروانسرای در بازار

۲- فرهنگ ناظم الاطباء. تألیف میرزا علی اکبرخان نقیسی. ۱۳۴۲هجری قمری مطابق ۱۳۰۳ شمسی. (نقل از دهخدا، ذیل مدخل های راسته و نقیسی)

۳- لسان العجم، معروف به فرهنگ شعوری. تألیف حسن شعوری حلبی. سده ی ۱۲هجری قمری (نقل از دهخدا، ذیل مدخل های راسته و شعوری)

۴- فرهنگ غیثات اللغات. تألیف محمد ابن غیث الدین رامپوری. ۱۲۴۲هجری قمری. (نقل از دهخدا، ذیل مدخل راسته)

۵- بهشتی، سید محمد و مهرداد قیوسی بیدهندی. فرهنگ نامه معماری ایران در مراجع فارسی ج (۱). (اصطلاحات و مفاهیم). تهران. دانشنامه تاریخ معماری ایران‌شهر و موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن. ۱۳۸۸. ص ۱۳۱

۶- فلاح فر، سعید. فرهنگ واژه های معماری سنتی ایران. تهران. کاوش پرداز. ۱۳۸۸. ص ۱۲۹

۷- بهشتی. همان جا

۸- لغت نامه دهخدا. به نقل از فرهنگ آندراج. ذیل مدخل راسته

۹- پیرنیا، محمد کریم و غلامحسین معماریان. آشنایی با معماری اسلامی ایران (ساختمان‌های درون شهری و برون شهری). تهران. دانشگاه، علم و صنعت ایران. چاپ ششم ۱۳۸۱. ص ۱۲۳

۱۰- دانشنامه جهان اسلام. ذیل مدخل بازار. ص ۳۱۱

۱۱- همان. ص ۳۸۱

۱۲- سلطانزاده، حسین. مجموعه از ایران چه می‌دانم ۱۱ (بازارهای ایرانی). تهران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. چاپ سوم ۱۳۸۳. ص ۶۳

که برای امور تجاری به کار می‌رود.^{۱۴} به اعتقاد استاد پیرنیا، سرا؛ همان تجارت‌خانه بوده است، که نمونه‌ی جنس را از آن جا تحویل گرفته و در جاهای مختلف پخش می‌کردند.^{۱۵} کاروانسراها فضاهای شهری درونگرا و دارای یک حیاط مرکزی بودند که انبارها و حجره‌هایی در چهار سمت آن، در یک یا دو طبقه قرار داشت و بازرگانان در آن به داد و ستد می‌پرداختند.^{۱۶} در تعریفی دیگر؛ کاروانسرا را بنایی برای استراحت و اتراق مسافران و کاروانیان در داخل یا خارج از شهر دانسته‌اند.^{۱۷} چنان که برخی معتقداند؛ در دوره‌ی صفویه کاروانسراها نقش هتل‌های امروزی را ایفا کرده و به همین دلیل نیز در دورن شهرها توسعه فراوانی یافتند. بعدها اغلب این کاروانسراهای درون شهری به صورت سراهای تجاری درآمدند و جنبه‌های سیاسی و مذهبی و نظامی و ... خود را از دست دادند و فقط جنبه‌ی اقتصادی خود را به صورت انبار کالا یا محل عرضه و دفاتر فروش حفظ نمودند.^{۱۸} البته شاید کاروانسراهای برون شهری تنها محل استراحت مسافران بوده‌اند، اما مسلماً کاروانسراهای درون شهری؛ هم به عنوان مرکز توقف کاروانیان و هم به منزله‌ی کانون فعالیت‌های بازرگانی، مورد استفاده بوده و حتی بعضی از آن‌ها بخشی از بازار به شمار می‌آمده‌اند.

حال پس از بررسی مفاهیم دو واژه‌ی راسته بازار و کاروانسرا، اکنون لازم است که مفهوم این دو واژه را در جمله بررسی کنیم. راسته بازار و کاروانسرا، در سند مورد بررسی، در دو جمله به کار رفته‌اند. جمله‌ی نخست: «یک درب دکان کائن در منتهی راسته بازار جدیدالبناء معروف به کاروانسرای چهاردرب». جمله‌ی دوم: «متعلق به بازار راسته کاروانسرای چهاردرب است». اگر در متن سند، جمله‌ی نخست، تنها جمله‌ی مشتمل بر این دو واژه بود، برداشتی دیگر از واژه‌ی «راسته» به دست می‌داد. یعنی اصطلاح راسته بازار، که ترکیبی وصفی است و راسته در آن نقش صفت مقدم برای بازار را دارد، تبدیل به ترکیب اضافی شده و راسته نقش مضاف را ایفا می‌کند. و به تبع آن؛ معنای بازار راست و مستقیم و یا بازار رسته‌ای و موصوف، تبدیل به راسته‌ی بازار یا معبر بازار می‌شود. در این صورت کاروانسرای چهاردرب بر مبنای قیاس، به شکل معمول کاروانسراها؛ با پلانی مربع قابل تصور است. و مکان آن یک درب دکان مذکور هم در انتهای معبر بازار جدیدالبناء یا همان کاروانسرای چهاردرب است. چراکه در برخی لغت‌نامه‌ها «راسته» را به؛ راه، جاده و خیابان بدون پیچ و خم معنی کرده‌اند.^{۱۹} و همچنین اصطلاح «راسته‌بندی» را نیز به معنای؛ راه‌سازی و مرمت کردن راه گرفته‌اند.^{۲۰} علاوه بر این، در محاوره‌ی ساکنین شهر گرگان (استرآباد)، «راسته» در مفهوم راه راست و مستقیم هم به کار می‌رود.

اما وجود جمله‌ی دوم، این فرضیه را باطل کرده، و نقش صفت را به واژه‌ی راسته باز می‌گرداند. در جمله‌ی دوم؛ ترکیب بازار راسته، نقش وصفی واژه‌ی راسته را به وضوح روشن می‌کند. در نتیجه با بررسی تعاریف ارائه شده از راسته بازار و کاروانسرا، و تطبیق آن‌ها با مفهوم عبارت «راسته بازار جدیدالبناء معروف به کاروانسرای چهاردرب» در سطر

۱۳- سلطانزاده. همان. ص ۷۹

۱۴- فلاح فر. همان. ص ۱۴۸

۱۵- پیرنیا. همان. ص ۱۲۴

۱۶- بهشتی. همان. ص ۱۹۷ / سلطانزاده. همان جا

۱۷- فلاح فر، سعید؛ فرهنگ واژه‌های معماری سنتی ایران، ص ۲۰۴؛ کاوش پرداز؛ تهران ۱۳۸۸.

۱۸- رجیبی، آرزبا. ریخت شناسی بازار. تهران. موسسه انتشارات آگاه. ۱۳۸۶. صص ۹۰، ۸۹

۱۹- برهان قاطع. تألیف محمدحسین ابن خلف تبریزی، متخلص به برهان. ۱۰۶۲ هجری قمری. (به نقل از دهخدا، ذیل مدخل راسته)

۲۰- فرهنگ ناظم‌الطبایع. همان.

نخست، و عبارت «بازار راسته کاروانسرای چهاردرب» در سطر ۱۴ متن سند، و با توجه به یکی دانستن راسته بازار و کاروانسرا و البته آن هم کاروانسرای که چهار درب دارد، به نظر می‌رسد که؛ اولاً به احتمال زیاد این کاروانسرا دارای پلان خطی بوده و ثانیاً در بخشی از بازار واقع شده که، از چهار طرف، دارای چهار درب ارتباطی با معابر، یا دیگر راسته‌های بازار است. بنابراین بر مبنای مختصر اطلاعات و اصطلاحات مندرج در متن سند، می‌توان فرضیه‌ای در باب تصویر کلی این راسته بازار ارایه داد؛ از طرفی با استناد به تعریف دهخدا از اصطلاح راسته بازار، که آن را چهارسو و بازار^{۲۱} معنا کرده است، می‌توان احتمال داد؛ کاروانسرای چهاردرب که همان بازار جدیدالبناء است، نقش چهارسوی^{۲۲} مجموعه‌ی بازار بزرگ کهنه را ایفا می‌کرده است. البته باید توجه داشت که به هر تقاطع در محل برخورد دو راسته بازار، چهارسو گفته نمی‌شد، بلکه تنها برخی از این فضاها را که از لحاظ موقعیت شهری و اقتصادی مهم بودند، چهارسو می‌گفتند.^{۲۳} از طرفی هم دو دهنه‌ی مقابل هم این چهارسو دارای کشیدگی راسته مانند بوده است. چراکه اساساً یک راسته بازار یا کاروانسرا حداکثر دو دهانه یا دروازه‌ی ورودی و خروجی در راستای کشیدگی خود دارد، مگر این که عمود بر معبر یا راسته بازار دیگری شده باشد که در این صورت به منظور دسترسی بهتر و یا جلوگیری از انقطاع آن معبر یا راسته بازار دیگر، در محل تقاطع، دو دهانه یا دروازه خواهد داشت.

البته ناگفته نماند از توأم شدن دو اصطلاح راسته بازار و کاروانسرا، برداشت سومی هم می‌توان کرد و آن این است که؛ راسته در جمله‌ی نخست را مضاف الیه بازار جدیدالبناء، که همان کاروانسرای چهاردرب است، دانسته و بازار راسته در جمله‌ی دوم را نیز مضاف کاروانسرای چهاردرب بدانیم. در این صورت مفهوم جمله‌ی نخست؛ «یک درب دکان که در انتهای راسته‌ای که متعلق به کاروانسرای چهاردرب است، قرار دارد» و مفهوم جمله‌ی دوم؛ «بازار راسته‌ی متعلق به کاروانسرای چهاردرب» خواهد بود. البته تشخیص این که کدام یک از این سه فرضیه صحیح‌تر خواهد بود، بستگی به دانش تحلیل‌گر و شناخت او از شاخص‌های تاریخی - فرهنگی محدوده‌ی مکانی موضوع سند دارد.

سابقه‌ی این نوع نام‌گذاری بر فضاهای مرتبط با بازار، در شهر استرآباد، وجود دارد. چنان که بازار قیصریه‌ی استرآباد را در برخی اسناد با عنوان «میدان قیصریه»، در برخی با عنوان «راسته‌ی قیصریه» و در برخی با عنوان «کاروانسرای قیصریه» می‌شناسیم. بر مبنای اطلاعات مستخرج از تاریخ شفاهی استرآباد، میدان قیصریه؛ همان حیاط مرکزی کاروانسرای قیصریه، و راسته‌ی قیصریه، راسته‌ی متصل به آن بوده است که یک سوی آن منطبق بر دهانه‌ی ورودی کاروانسرای قیصریه و سوی دیگر آن، منطبق بر یکی از دهانه‌های چارسوی بازار کهنه بوده است. همچنین با داشتن این اطلاعات می‌توانیم احتمال مطابقت اصطلاح چهاردرب با چهارسوی بازار را قطعی‌تر بدانیم.

۲۱- دهخدا به نقل از فرهنگ لسان العجم (فرهنگ شعوری)

۲۲- چهارسو محلی است که «چهار بازار از آن منشعب شوند». آن‌جای از بازار که به هر چهار طرف راسته و دکان‌ها راه دارد. / بازاری که از چهار طرف بیرون شو دارد» (بهشتی. همان. ص ۹۰) «چهارسو: چهارراه و محل تقاطع دو راسته اصلی بازار است». (فلاح فر. همان. ص ۹۵)

۲۳- سلطانزاده، حسین؛ همان، ص ۶۶

جدیدالبناء و نوساز: در تحلیل متون اسناد تاریخی لازم است در ترکیبات وصفی به نقش صفاتی که مفهوم متأخر و جدید بودن را می‌رسانند، دقت و توجه ویژه‌ای نمود. چراکه اگر این صفات جزئی از اسم شده باشند، هرچند اشاره به متأخر بودن موصوف خود، نسبت به سایر عناصر مشابه دارند، اما الزاماً نسبت به زمان نگارش سند، چندان متأخر و جدید نیستند. مانند واژه‌ی «نو» در اسامی برخی از مکان‌های تاریخی، مثل: بازارنو، قلعه نو، درب نو و... در عبارات «بازار جدیدالبناء» و «دکان نوساز» هم اگر واژه‌ی «بناء» و «ساز» وجود نداشتند، قاعده‌ی مذکور مصداق داشت. اما آمدن این دو واژه به عنوان پیشوند برای «جدید» و «نو»، نشان از آن دارد که این بازار و دکان در زمان نگارش سند تازه احداث شده‌اند.

قریب الاضمحلال و الانهدام: صفتی است که برای یک درب دکان در انتهای راسته بازار جدیدالبناء آمده و نشان از آن دارد که بازار جدیدالبناء یا بر روی بقایای بخشی از بازار کهنه و یا بر روی بخشی از بافت مسکونی متصل به آن بازار احداث شده است. از طرفی با توجه به جمله آغاز سطر چهارم سند، دکان مورد صلح مخروبه است و امکان بهره‌برداری را ندارد؛ «قریب الاضمحلال و الانهدام و قلیل الفائده و الانتفاع بوده...». این در حالی است که در سطر اول سند به واقع بودن دکان مذکور در انتهای راسته بازار جدیدالبناء اشاره شده است. از این مطلب چنین برمی‌آید که دکان مورد نظر در مرز اتصال بازار قدیمی و بازار جدیدالبناء واقع شده است.^{۲۴}

نوساز طاقی آجری: صرف نظر از اصطلاح نوساز که در سطور بالا توضیح داده شد، این عبارت تأکید بر طاقی و آجری بودن دکان نوساز دارد. از آن‌جا که این دکان نوساز در مقام معاوضه با دکان قریب الاضمحلال و الانهدام قرار دارد، صفات به کار رفته برای آن نیز می‌تواند در مقام مقایسه با آن دکان مخروبه قرار گیرد. بنابراین اگر دکان جدید؛ نوساز است، دکان مخروبه؛ قدیمی ساز است. اگر دکان جدید؛ طاقی و آسمانه‌ی آن از نوع ازگ است، دکان مخروبه؛ دارای سقف سفال‌پوش و شیب دار است. و اگر دکان جدید آجری است، دکان مخروبه؛ احتمالاً از خشت خام، یا چوب، و یا ترکیبی از هر دو بوده است. و اما درباره‌ی علت ساختن دکان و بازار از آجر و باسقف طاقی، می‌توان به دلایل متعددی از جمله تکرر آتش‌سوزی بازار کهنه، گزارش‌های متعدد از شکافتن مغازه‌ها، ورود سارقین از منفذ کلاغ‌نشین سقف، و قابل احتراق بودن مصالح سقف‌های شیب دار و... اشاره کرد.

چهاردرب: درب در این جا هم می‌تواند به معنی دهانه‌ی ورودی و خروجی باشد و هم به معنی دروازه و قاپو که هنگام تعطیلی بازار مسدود شده و امنیت بازار تأمین می‌کند. با توجه به نکات مذکور در سطور بالا در باب سابقه‌ی سرقت از بازار، احتمال می‌رود، درب در این جا به معنی؛ دروازه‌ای باشد که امکان مسدود کردن ورودی بازار را فراهم می‌کند.

افتتاح معبر: در سطرهای چهارم و پنجم متن سند آمده: «برای افتتاح معبر برای بازار مذکور محتاج بوده‌اند که مقر آن (دکان قریب الاضمحلال) را خیابان [کشند]». البته موضوع افتتاح معبر و عنوان چهاردرب که به عنوان نام کاروانسرا آمده است، چندین سؤال و احتمال را به

۲۴- بررسی این گونه اسناد و نیز اطلاعات حاصل از تاریخ شفاهی، بررسی عکس‌های هوایی و نقشه‌های قدیمی، جانمایی دقیق کاروانسرای چهاردرب (چهارسو) و دکان مسدود صلح و... را امکان‌پذیر خواهد نمود.

برای نمونه در وقت نامه آقا محسن شیخ الاسلام به تاریخ ۱۲۴۲ ه.ق (وقت نامه مدرسه محسنیه)، آمده: آقامیرمحسن و محمدقلی میرزا ملک آرا، فرزند فتحعلی شاه و حکمران استرآباد به طور شراکتی یازده باب دکان در راسته بازار کهنه استرآباد ساخته‌اند. که ممکن است دکان مورد نظر شمالی‌ترین دکان راسته مذکور باشد. رجوع شود به مقاله‌ای از نگارنده با عنوان «میرانی برای ترویج دانش، بررسی و فتنامه آقا محسن شیخ الاسلام مورخ ۱۲۴۲ ه.ق؛ فصلنامه میرداماد، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۴، ص ۳۷-۳۵ سطر

وجود می آورد. سؤال نخست این که با افتتاح این معبر، کاروانسرا دارای پنج ورودی خواهد شد یا این که در مقابل یکی از چهار ورودی تعبیه شده قرار داشته است؟ سؤال دیگر این که آیا دکان قریب الاضمحلال دهانه‌ی راسته‌ی متعلق به کاروانسرا را که محل تقاطع چهارسو بوده، مسدود کرده است؟ و یا با توجه به عبارت «... که مقر آن را خیابان [کشند]» (سطر ۵ متن سند) منظور از خیابان دقیقاً چه نوع معبری است؟ و این معبر ارتباط راسته بازار را به چه معبر یا راسته‌ی دیگری برقرار می کرده است؟ از طرف دیگر در زمان انعقاد صلح نامه، چه مدت از زمان ساخت بازار جدید گذشته بوده؟ آیا مالکین بازار جدید، که به احتمال زیاد خود سازندگان بازار نیز هستند، در زمان ساخت بازار نیاز به افتتاح این معبر را احساس نکرده اند؟ آیا پس از افتتاح بازار نیاز به افتتاح معبر احساس شده، یا مالکین در زمان ساخت با مشکلاتی چون مسئله موقوفه بودن دکان مخروبه، یا عدم همکاری مالکین و متولیان آن مواجه بوده اند؟

با فرض این که در زمان احداث این راسته بازار، نیاز به افتتاح معبر مذکور احساس نمی شده و پس از افتتاح بازار، مالکین برای بهبود کارکرد آن به این فکر افتاده اند، در این صورت می توان گفت؛ نحوه‌ی مدیریت و سازماندهی ساختار کالبدی و اجتماعی بازار شایان توجه است. صاحبان بازار در راستای ساماندهی عبور و مرور در بازار، خود اقدام به ساماندهی معابر بازار می کنند و در جایی که نیاز به تخریب عنصری از بازار برای ایجاد معبر است، با مصالحه و جلب رضایت صاحبان دکان مورد نظر، دکان را به معبر می افزایند. این خود به نوعی دلالت بر شکل گیری ارگانیک بازارهای قدیمی استرآباد دارد به این معنا که بازار با طرحی از پیش تعیین شده شکل نگرفته، بلکه به مرور زمان و بسته به نیاز مردم رشد کرده و گسترش یافته یا دگرگون شده است.

دو رویه: منظور از اصطلاح دو رویه، این است که دکان نوساز از دو طرف دارای بازشو است، که بنا بر متن سند؛ بازشو اصلی آن به سمت راسته بازار جدیدالبناء و بازشو پشت آن به سمت بازار قیصریه است. البته با توجه به اقلیم مرطوب استرآباد ساختن ساختمان های دو رویه، یکی از اصول معماری متناسب با این اقلیم محسوب می شود. اما باید دانست این اصطلاح تنها در مقام مقایسه با دکان قدیمی مخروبه به کار رفته و یا ضمن مقایسه با دکان مخروبه، در مقام مقایسه با سایر دکان های نوساز بازار جدیدالبناء نیز بوده است. چرا که در حالت دوم می توان گفت: فقط بخش یا قسمتی از راسته بازار جدیدالبناء دارای دکان های دو رویه بوده است.

قیصریه: عنوانی است عمومی که معمولاً به مهم ترین راسته، یا خاص ترین بخش هر مجموعه بازار تاریخی اطلاق می شود. مجموعه‌ی بازار بزرگ استرآباد نیز دارای راسته و کاروانسرای با عنوان قیصریه بوده است که اسناد و اطلاعات بیشماری درباره‌ی آن وجود دارد. با توجه به سطرهای ۱۶ و ۱۷ متن سند که نوشته: «دکان عوض داده شده توضیحا دورویه است یک روی آن به سمت بازار مذکور و یکروی دیگرش به جانب قیصریه و...» قاعدتاً راسته بازار جدیدالبناء در مجاورت یکی از جوانب قیصریه شکل گرفته بوده است. اما عبارت «یک روی دیگرش به جانب قیصریه» ایجاد چندین سؤال می کند؛ آیا دکان نوساز جدای از این که یک ورودی به بازار

جدیدالبناء داشته، ورودی دیگرش به قیصریه باز می‌شده؟ آیا راسته بازار جدیدالبناء به موازات قیصریه بوده و یا قائم بر آن؟ مسئله این جاست که اگر این دو راسته بازار به موازات هم بوده‌اند، مسلماً دکان نوساز باید پشت به پشت دکان‌های قیصریه بوده باشد، و اگر هم قائم بر هم بوده و یا یکدیگر را در نقطه‌ای قطع می‌کرده‌اند، قاعدتاً راسته‌ی قیصریه باید منتهی به این دکان بوده و این دکان راسته قیصریه را مسدود می‌کرده است. اما شاید هم کلمه‌ی «جانب»، تنها برای نشان دادن جهت باشد، و یا شاید به یکی از باراندازهای قیصریه باز می‌شده است.

دکان تحتانی: در سطر ۱۳ سند تأکید شده است که آن دکان نوسازی که در عوض دکان موقوفه‌ی مخروبه داده شده «فقط دکان تحتانی است»، تا این جای جمله چنان می‌نماید که دکان مذکور یک طبقه‌ی فوقانی هم دارد. اما جمله‌ی بعد که می‌گوید: «و فوق آن بنایی که ساخته شده و یا بشود»، نشان از آن دارد که دکان مذکور در یک طبقه است، اما ظاهراً به دلیل این که آسمانه‌ی آن تاقی (ازگ) و مسطح است، پیش بینی اضافه کردن طبقه‌ی دوم بر روی آن نیز شده است. البته بر اساس این عبارت می‌توان احتمال داد که در زمان مصالحه هنوز ساخت بازار جدید به اتمام نرسیده و یا بخشی از آن مثلاً دکان عوض داده شده، ناتمام مانده است.

تعمیر دکان: در بخش هامش سند اشاره شده که: «تعمیر دکان نوساز که عوض داده شده، در تمام اعصار و قرون بر عهده‌ی مالکین بازار جدید است و همیشه باید متحمل هزینه‌های تعمیر آن دکان بشوند». این توضیح پایانی نیز علاوه بر این که بیان گر اهمیت معبر مذکور برای مالکین بازار جدیدالبناء است. نشان گر یکی از شیوه‌های حفظ عین موقوفه و روشی برای مدیریت مرمت یک بنای وقفی است.

جمع بندی و نتیجه گیری

در این مقاله سعی شد تا یک نمونه‌ی موردی از اسنادی که می‌توانند اطلاعات مفیدی را در زمینه معماری به پژوهشگران این حوزه ارائه کنند، معرفی شود. هدف از بررسی این سند و نگارش این مقاله؛ بررسی سیر تاریخی و معماری بازار کهنه استرآباد نبوده است، چراکه برای پژوهش در این زمینه، بررسی منابع بسیاری از جمله کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌ها، اطلاعات حاصل از تاریخ شفاهی، اسناد تاریخی، عکس‌های هوایی، نقشه‌ها و سایر اسناد تصویری قدیمی و مطالعات میدانی و ... ضرورت دارد. تنها هدف این بود که نشان داده شود که چگونه می‌توان با بررسی تنها یک سند از یک مجموعه‌ی شهری قدیمی که امروزه چندان اثری از آن باقی نیست، اطلاعات ارزشمندی کسب نمود. از طرفی از آن جا که در اکثر مطالعات و پژوهش‌های اسناد معماری غالباً وقف نامه‌ها مورد توجه و بررسی پژوهشگران این حوزه قرار گرفته‌اند، در این مقاله نمونه‌ای ارزشمند از دیگر انواع اسناد که می‌توانند در حوزه‌ی پژوهش‌های تاریخ معماری مورد بررسی قرار گیرند، معرفی شد.